

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

ادامه بیان دیدگاه مرحوم محقق اصفهانی رحمه الله

در بحث استعمال لفظ در بیش از یک معنا روایات بطون مورد بررسی قرار گرفت و گفتیم روایات مذکور ارتباطی به استعمال لفظ در بیش از یک معنا ندارد.

مرحوم اصفهانی اعلی الله مقامه الشریف در ادامه به مسئله‌ای دیگر اشاره نموده است که شاید بتوان آن را از مصادیق استعمال لفظ در بیش از یک معنا دانست.

ایشان می‌فرماید: در آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^[1] از یک سو مسئله قرائت و حکایت ممثال از ممائل مطرح است به این بیان که اگر الفاظ قرآن به قصد حکایت بیان شود قرائت محقق می‌شود پس اگر خواندن آیات قرآن کریم به قصد مذکور نباشد قرائت محقق نمی‌شود.

از سوی دیگر بسیاری از فقهاء در مورد همین آیه می‌گویند: کسی که نماز می‌خواند می‌تواند قصد انشاء و ایجاد لفظ و دعا داشته باشد؛ در نتیجه همین لفظ در دو چیز استعمال شده است یعنی یک مرتبه به عنوان قرائت در لفظ و یک مرتبه به عنوان معنا استعمال شده و اشکال استعمال لفظ در دو معنا یا تعدد مستعمل فیه مجدد مطرح می‌شود.

این مسئله در عروه الوثقی نیز مطرح شده است. مرحوم سید رحمه الله می‌فرماید: نه تنها آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^[2] را یک مرتبه می‌توان به قصد حکایت از آن چه در قرآن کریم آمده قرائت نمود، بلکه یک مرتبه نیز می‌توان از آن قصد انشاء خطاب داشت که در این صورت قصد قرائت و قرانیت نیز نموده است. البته این مسئله در کلیه آیات قرآن کریم ممکن است یعنی مثلاً از آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^[3] می‌توان در کنار قصد قرائت که حیثیت لفظی دارد، می‌توان انشاء حمد که حیثیتی معنایی دارد اراده نمود.^[4]

پاسخ از استحاله مذکور

مرحوم اصفهانی رحمه الله سه پاسخ از استحاله مذکور بیان نموده است:

پاسخ نخست: در قصد قرآنیت ابتدا لفظ در لفظ ممائل که خود قرآن است به کار رفته و در مرحله بعد معنای آن اراده می‌شود و به بیان دیگر اگر استعمال یک لفظ در لفظ و معنا در عرض یکدیگر باشد استحاله محقق می‌شود اما این دو در طول یکدیگر هستند یعنی ابتدا از آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^[5] قصد قرآنیت و لفظ وارد شده در قرآن کریم اراده شده و سپس از همان لفظ

قصد دعا می‌شود؛ همان‌گونه که در اسماء افعال مانند «صح» برخی می‌گویند: خود این واژه دلالت بر لزوم سکوت دارد و برخی دیگر می‌گویند: این واژه اشاره به فعل «أُسکت» دارد که این فعل دلالت بر وجوب سکوت دارد.

مرحوم اصفهانی رحمه الله در اشکال می‌فرماید: این‌که ابتدا از لفظ مذکور اراده قرآنیت و سپس از همان لفظ اراده دعا شود بسیار مشکل‌تر از این است که از خود لفظ دو معنا را اراده نمائیم. به بیان دیگر پاسخ دهنده چنین تصور نمود که اگر اراده معنا و انشاء دعا در طول هم باشند استحاله بر طرف خواهد شد. اما ایشان می‌فرماید: این‌که از ابتدا از تعبیر مذکور هم لفظ و هم انشاء استفاده شود بسیار کم مؤونه‌تر است.

در توضیح می‌فرماید: طبق کلیه مبانی در استعمال (ایجادیت، علامیت و افناء) لازمه پاسخ مذکور این است که انشاء و دعا بدون وجود لفظ محقق شود و این مسئله غیر معقول است چون استعمال وصفی برای لفظ خارجی است که توسط متکلم بیان می‌شود و این‌که «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^[6] حاکی از لفظ موجود در قرآن کریم باشد و در دعا استعمال شود وجود خارجی ندارد. همان‌طور که ایجاد لفظ بدون معنا نیز ممکن نیست؛ در نتیجه استعمال هم متوقف بر وجود لفظ و هم متوقف بر وجود معنا است اما در وضع تنها مسئله فناء، علامیت و مانند آن مطرح می‌شود که لاحاظی آلی است.^[7]

به نظر ما قصد دعا منافاتی با عدم تلفظ و استعمال ندارد به این بیان که ممکن است انسان با نگاه به یک نوشته یا نگاه به تکوینات و بدون تلفظ لفظ قصد دعا داشته باشد؛ در نتیجه قصد دعا و انشاء متوقف بر استعمال و لفظ نیست.

دیدگاه مرحوم صاحب منتقى الاصول رحمه الله

مرحوم صاحب منتقى الاصول رحمه الله پس از ذکر جواب و مسئله طولیت می‌فرماید: این تصویر، منجر به اجتماع لحاظ آلی و استقلالی در یک شیء می‌شود چرا که با یک لفظ هم اراده لفظ محکی به صورت استقلالی و هم اراده دعا به صورت آلی خواهیم داشت.^[8]

هر چند ایشان به جواب مرحوم اصفهانی رحمه الله اشاره ندارد اما به نظر ما جواب مرحوم اصفهانی رحمه الله جواب بسیار دقیق‌تری است چون مستشکل به این مسئله تفنن دارد که اگر اجتماع از دو حیث باشد مواجه با اشکال نیست.

ادامه بیان دیدگاه مرحوم محقق اصفهانی رحمه الله

پاسخ دوم: مرحوم اصفهانی رحمه الله در جواب دوم مسئله مقارنت را مطرح نموده و می‌فرماید: «اهدنا» در لفظ مماثل خود که در قرآن وجود دارد استعمال شده‌است و در عین حال مقارن با این استعمال قصد دعا نیز شده‌است. به بیان دیگر با وجود قصد دعا لفظ در دو چیز استعمال نشده‌است بلکه استعمال در یک چیز بوده و مقارن با آن قصد دعا نیز وجود دارد.^[9]

مرحوم آخوند رحمه الله در مسئله تعدد بطون فرمود: مقارن با ظاهر آیه بطون نیز اراده شده‌است. ما در اشکال گفتیم: مقارنت اراده ظاهر و بطن نیاز به دال دارد. همین اشکال به مرحوم اصفهانی رحمه الله نیز وارد است یعنی مقارنت میان لفظ استعمال شده از یک طرف و اراده قصد دعا از سوی دیگر نیاز به دال دارد. طبق بیان مرحوم خوئی رحمه الله حتی با لفظ مهمل نیز می‌توان ایجاد مقارنت نمود و این تصویر سبب ایجاد فضیلت برای قرآن نخواهد بود حال آن‌که درصدد اثبات این مطلب هستیم که با همین لفظ قصد دعا شود نه مقارن با آن.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1]. فاتحه، 6.

[2]. فاتحه، 5.

[3]. فاتحه، 2.

[4]. «(مسألة 8): الأقوى جواز قصد إنشاء الخطاب بقوله «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» إذا قصد القرآنية أيضاً بأن يكون قاصداً للخطاب بالقرآن، بل وكذا في سائر الآيات، فيجوز إنشاء الحمد بقوله «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» وإنشاء المدح في «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وإنشاء طلب الهداية في «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» ولا ينافي قصد القرآنية مع ذلك.» العروة الوثقى (محشى)، ج2، ص 533.

[5]. فاتحه، 6.

[6]. فاتحه، 6.

[7]. «و نظير إشكال تعدد البطون، ما ورد من طلب الهداية عند قراءة قوله عز من قائل: اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، ونحوه في غيره، فإن محذور الاستحالة تعدد المحكي عنه مع وحدة الحاكي، وهو جار هنا؛ لأن القراءة هي الحكاية عن اللفظ باللفظ المماثل، وإنشاء قصد ثبوت المعنى باللفظ، ولا يمكن استعمال اللفظ في اللفظ وفي المعنى. وربما يجاب عنه: بأن المعنى يقصد من اللفظ الذي هو المعنى، كما في أسماء الأفعال عند من يجعلها موضوعاً لألفاظ الأفعال فلم يلزم استعمال اللفظ في أكثر من معنى، بل استعمل كل لفظ في معنى. وفيه: أن قصد المعنى من اللفظ المحكي عنه باللفظ أوضح استحالة من قصده من اللفظ الحاكي؛ ضرورة أن الاستعمال كذلك غير معقول. سواء كان الاستعمال بمعنى الإعلام والتفهم، أو بمعنى إيجاد المعنى باللفظ، أو بمعنى إفناء اللفظ في المعنى وجعله وجهاً وعنواناً له. فإن هذه الأوصاف لا يوصف بها ما لا وجود لها خارجاً، بل جعلوا تنزيلها، مع أن الفرض إنشاء المعنى باللفظ فاللفظ مما ينشأ به ويتوسل به إلى ثبوت المعنى، وهذا مع عدم تحقق ما ينشأ به ويتوسل به غير معقول؛ إذ ليس الانشاء مجرد قصد المعنى كما لا يخفى.» نهاية الدراية في شرح الكفاية، ج1، ص: 162.

[8]. «تتمة: يحسن بنا أن يكون ختام البحث في هذه المسألة تحقيق ما جاء في بعض كلمات الفقهاء من عدم جواز قصد معاني آيات الكتاب الذي تقرأ في الصلاة، لأن ذلك محل الابتلاء ولعلاقته بالمسألة. وقد وجّه امتناع ذلك: بأن المطلوب في الصلاة هو القراءة، وهي - أعني القراءة - استعمال اللفظ في اللفظ، فإذا قصد بالآية المعنى التي استعملت فيه كان ذلك من استعمال اللفظ في المعنى، وهو يوجب عدم تحقق القراءة لامتناع استعمال اللفظ في أكثر من معنى، فإذا استعمل في المعنى امتنع استعماله في اللفظ فلا تتحقق القراءة، مع أنه قد ورد في الروايات استحباب ذلك والحث عليه وإن كمال الصلاة بقصد المعنى والالتفات إليه. وقد أجيب عن هذا الوجه بوجه: الأول: أن قصد المعنى من اللفظ لا يكون في عرض القراءة، بل في طولها، بمعنى أنه يقصد الحكاية عن اللفظ باللفظ ويقصد في نفس الوقت الحكاية عن المعنى باللفظ المحكي لا الحاكي فلا محذور فيه، إذ لم يستعمل اللفظ في معنيين بل كل لفظ مستعمل في معنى. وهذا الوجه واه جداً. وقد قيل في إبطاله وجوه متعددة. والوجه الواضح في الإشكال فيه: هو أنه يستلزم اجتماع اللحاظ الآلي والاستقلالي في شيء واحد. بيان ذلك: أن اللفظ المحكي باللفظ بما أنه محكي ومستعمل فيه يكون ملحوظاً بالاستقلال، وبما أنه حاك عن المعنى وفان فيه يكون ملحوظاً آلة، فيجتمع فيه اللحاظان في آن واحد. وقد ذكر المحقق الأصفهاني وجهاً لإبطاله، لا نطيل البحث بذكره، بعد وضوح بطلان الوجه.» منتقى الأصول، ج1، ص: 320 و 321.

[9]. «فالأولى أن يجاب عن الاشكال: بحمل ما ورد من الأخبار في هذا المضممار على طلب الهداية مقارناً لقراءة اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ، لا طلب الهداية بها.» نهاية الدراية في شرح الكفاية، ج1، ص: 163.